

در داخل هر رکن اصطکاک رخ دهد، در همه این حالات ممکن است روحیه تعاونی متزلزل گردد.

از طرفی مجوم اعضا جدید، خالی از مخاطره نیست، زیرا اعضای جدید به راهی گام می‌نهند، که دیگران برایشان هموار ساخته‌اند و در نتیجه لزومی ندارد که آنها هم مانند پیشقدمان نهضت تعاون فکر خود را به کار اندازند و جسارت و همت به خرج دهند. از طرف دیگر، باید دید آیا تازه واردان به چه اندازه احساس مسئولیت می‌کنند و از ایمنی تعاونی بهره‌مندند.

باید اذعان داشت که آموزش و تربیت تعاونی در اینگونه شرکت‌ها، اعم از جدیدالتاسیس و یا قدیمی، تنها در صورتی دارای نتایج پربار خواهد بود که مستمر و مداوم باشد. یکی از اصول اولیه شرکت‌های تعاونی که موقوف مانده و هنوز معتبر است، وجوه خاصی است که از محل اضافه درآمد سالانه شرکت‌های تعاونی برای توسعه آموزش تعاونی اختصاص می‌یابد. غالباً درصد این وجوه مانند همان دوره پیشروان راچدیل ۲/۵ درصد و گاهی به تناسب میزان فروش و معاملات شرکت است. مثلاً در نواسکو (کانادا) یک درصد از مبلغ فروش صرف آموزش تعاونی می‌گردد. در مصر توسط چهار اتحادیه بزرگ تعاونی مراکز برای آموزش و تربیت، تعاونی ایجاد شده است. در ایالات متحد، آمریکا چند شرکت تعاونی همجوار برناه آموزشی مشترکی را تحت نظر یک مدیر مآرب اداره می‌کنند.

### وظایف بنامش آموزش

هدف آموزش تعاونی در درجه اول رسوخ دادن بین اعتقاد در اعضا است که سازمان تعاونی تشکیلات بیگانه‌ای نیست که فقط برای خدمت به آنها تاسیس شده باشد، بلکه موسسه‌ای است متعلق به خودشان و نتیجه و پیشرفت آن به جد و جهد خود آنها بستگی دارد. همچنین هدف آموزش این است که



## آموزش و تربیت اعضا تعاونی‌ها

از: کلومبین Colombain

رئیس اسبق امور تعاون دفتر بین‌المللی کار

نهضت تعاونی را بهتر از این نمی‌توان بیان داشت.

آموزش اعضا تعاونی فقط برای شرکت‌های تعاونی تازه کار ضرورت ندارد، بلکه برای اعضای شرکت‌های تعاونی که سابقه ممتدی دارند نیز لزوم آموزش غیرقابل انکار است. مضافاً اینکه با توسعه دامنه کار و افزایش اعضا و کارکنان شرکت تعاونی، این آموزش اهمیت بیشتری کسب می‌کند، چه باید کوشید که پیوسته «روحیه تعاونی» احیاء گردیده و محفوظ بماند. زیرا اگر عضوی به فعالیت دیگران متکی گردد و خود تلاشی نکند، روح تعاون دچار رخوت می‌شود.

همچنین در صورتیکه پیشرفت و رونق کار مانع کوشش شود یا بروز اشکالات موجب گردد که اعضای سست عقیده، نسبت به شرکت و سرنوشت آن بی‌تفاوت شوند و دست از همکاری و معاضدت بکشند و نیز چنانچه بین ارکان مختلف شرکت تعاونی و یا

### اهمیت آموزش

در گزارشی که به مناسبت انعقاد کنفرانس بین‌المللی تربیت و آموزش تعاونی در زوریخ (سوئیس) ارائه شد گفته می‌شود: «اگر ممکن بود که نهضت تعاونی را از سرگرفت و ناگزیر بودیم یکی از دو شق زیر را انتخاب کنیم: شروع کار بدون سرمایه ولی با همکاری شرکاء و اعضای مجرب و دانا، یا با سرمایه فراوان ولی شرکای بی‌اطلاع و نادان، با تجربیاتی که تا بحال اندوخته‌ایم بی‌شک شق نخست را انتخاب می‌کردیم.»

این سخنان از این جهت قابل تأمل است که در یک اجتماع تعاونی بین‌المللی بر زبان آورده شده و گوینده آن نماینده تعاونی سوئد بوده است. یعنی کشوری که سازمان تعاونی آن نه تنها از نظر امکانات مالی، بلکه از لحاظ افکار بلند و اقدامات بزرگ زبانزد و بی‌همتاست. اهمیت تربیت و آموزش اعضای

معلوماتی به اعضاء بدهد و احساسات و افکار و استعدادهای نهفته آنها را برانگیزد تا به صورت یک عضو واقعی نهضت تعاونی درآیند. به این معنی که نه تنها بر منافع مشترک خود با سایر اعضاء، بلکه بر پیوندهای معنوی و مسئولیتهای مشترک خویش با دیگران نیز آگاه شوند و نیت شرکت در کار فعالیت مشترک را نیز دارا گردند.

بالاخره هدف دیگر آموزش تعاونی این است که اعضاء موسسه تعاونی، خود را عضو یک شرکت کوچک ندانند، بلکه - و بیشتر را متعلق به نهضتی به شمار آورند که اهداف اجتماعی آن مقدم بر جنبه بازرگانی و سودجویی است. نهضتی است متکی بر عقاید و طرز تفکر جدید. این نهضت مبتنی بر سازمان تازه‌ای است که به موجب آن افراد، روابط انسانی تازه‌ای با یکدیگر خواهند داشت.

## وسایل و روشهای آموزش تعاونی شرکت در فعالیت تعاونی

شرکت در فعالیت تعاونی چنانچه از روی فهم صورت گیرد چه از لحاظ پرورش فکر و چه از نظر تربیت اراده، یک مکتب واقعی آموزشی به شمار می‌آید، زیرا از طرفی

موجب می‌شود که اعضاء بتدریج با مقدمات مسائل اقتصادی در حین عمل آشنا شوند، از طرف دیگر رموز و طرز کار شرکت تعاونی، اصول برابری و انصاف را که نهضت تعاونی بدان مبتنی است فراگیرند. وانگهی شرکت در فعالیت تعاونی، فرد فرد اعضاء را به کوشش انفرادی و مجموعه آنان را به کوشش دسته‌جمعی و همگانی عادت می‌دهد.

مقدماتی که منتهی به تشکیل و تاسیس یک شرکت تعاونی می‌شود، یعنی مجمع عمومی موسس، خود بهترین موقعیت برای آموزش تعاونی است، زیرا در مجمع مزبور یکبار دیگر مفاد اساسنامه دقیقاً مورد بحث قرار می‌گیرد، بعداً نیز مجامع عمومی عادی شرکت بهترین وسیله و شاید برای بسیاری از شرکاء تنها وسیله آموختن و بکار بستن اصول تعاونی باشد.

لذا کوشش می‌شود اعضاء به شرکت در این مجامع ترغیب شوند و تسهیلات لازم از نظر انتخاب زمان و مکان تشکیل جلسه برای آنها فراهم گردد. ضمناً به عوض ارائه جدولها و ارقام عریض و طویل، که چه بسا ممکن است غیر قابل درک و موجب کسالت خاطر گردد، بهتر است نمودارهای مصور به آنها نشان داده شود. همچنین باید با ایجاد مباحثه و تبادل آراء



جلسات را زنده و با روح کرد. این قبیل جلسات را اغلب می‌توان با نمایش فیلم و اجتماعات خانوادگی و غیره همراه نمود.

چون فکر تعاون، مانند فکر دموکراسی، بر این اساس مبتنی است که افراد در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی شرکت داده شوند یا این مشارکت را احساس کنند، شرکت‌های تعاونی در صدد برآمده‌اند که به مناسبتهای مختلف فعالیتهای گوناگون ایجاد کنند و اعضاء را در آن دخالت و شرکت دهند. مثلاً، غالباً به تشکیل کمیته‌های مخصوصی برای تبلیغات و ایجاد تفریحات سالم و کمیته‌های امور اجتماعی و خیریه مبادرت ورزیده‌اند.

در هر کشور ابتکاراتی در این باره صورت گرفته است. فی‌المثل در فنلاند کمیته‌های محلی از مصرف‌کنندگان برای تبادل نظر با اعضاء موسسات تعاونی تشکیل شده است. در سوئد و هلند و فنلاند علاوه بر «شورای مملکتی زنان خانه‌دار عضو شرکتهای تعاونی» انجمنهایی هم از بانوان وابسته به نهضت تعاونی وجود دارد که به شورای مزبور نماینده می‌فرستند. این شوراهای پس از مطالعات و تجربیات، در مورد ارزش و مرغوبیت کالاها و بسته‌بندی آنها و غیره به بانوان خانه‌دار توصیه‌های لازم را ارائه می‌دهند. حتی شرکت‌های مرکزی تعاونی مصرف در آلمان و هلند و سوئد در مقر خود یک اداره مخصوص برای تماسها و ارتباطاتی از این قبیل ایجاد کرده‌اند.

به منظور تقویت همبستگی و ایجاد همفکری تعاونی وسایلی ایجاد می‌شود که شرکاء در خارج از جلسات مجامع عمومی و کمیته‌ها نیز با یکدیگر ملاقات و آشنائی نزدیکتری حاصل کنند، مثلاً می‌توان مجالس سخنرانی مسابقات ورزشی، نمایشگاه، گردش دسته‌جمعی در بیرون از شهر و نظایر این اجتماعات برای شرکاء ترتیب داد.

در این زمینه بی‌مناسبت نیست یک ابتکار جالب که در سوئد انجام گرفته ذکر شود و آن عبارتست از تشکیل دستجاتی از زنان به منظور تمرین ورزش ژیمناستیک. این دستجات که

عموم بانوان اعم از عضو و غیر عضو، می‌توانند در آن شرکت جویند از سال ۱۹۴۲ بوسیله اتحادیه تعاونیهای مصرف سوئد تشکیل شده است. این فکر رفته رفته در کشورهای نروژ، هلند و بلژیک هم رسوخ می‌کند.

وسایل دیگری که برای ایجاد ارتباط و همبستگی بین اعضای یک شرکت تعاونی و گاه نیز اعضای شرکت‌های مختلف تعاونی با یکدیگر بکار برده می‌شود عبارتند از: تشکیل کافه رستوران‌های تعاونی، در نظر گرفتن اماکن مشترک برای برگزاری اجتماعات و جشنها (در بلژیک، ایالات متحده، فنلاند، چکسلواکی و بعضی کشورهای دیگر) و «خانه‌های تعاونی» که اعضای کلیه شرکت‌های تعاونی بدان راه دارند.

## دروس و انتشارات

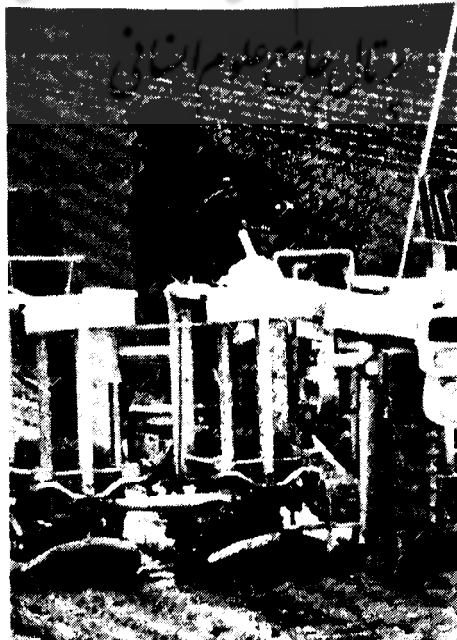
در هر شرکت تعاونی معمولاً باید دسته قلیلی از شرکاء باشند که رفتار و کردارشان برای سایرین نمونه قرار گیرد و منشأ الهام و مورد پیروی واقع شوند. به طوریکه شرکاء در مواقع بحرانی در پیدا کردن راه حل و در اخذ تصمیمات مهم نظر آنان را خواستار شوند. البته غالباً چنین هسته‌ای از اعضاء مجرب و مومن در موسسات تعاونی وجود دارد و این افراد که ممکن است اداره کنندگان آینده شرکت تعاونی باشند، باید پیوسته بکوشند که معلومات تعاونی خود را تکمیل کنند.

بدین منظور تدابیر مختلفی اتخاذ می‌شود مثلاً بعضی مواقع دروس اختصاصی (در کلمبیا) یا یک رشته سخنرانی (در شیلی) یا دوره‌های آموزشی در تعطیلات آخر هفته (در بلژیک) برای استفاده شرکاء ترتیب داده می‌شود که اشخاص غیر عضو نیز می‌توانند در آن شرکت نمایند یا اینکه پاره‌ای از اعضاء شرکت‌های تعاونی را برای شرکت در «دروس» «مشگیری» و «تصدی امور تعاونی» معرفی می‌نمایند. از این قبیل دوره‌های آموزشی در قبرس و سوئیس وجود دارد. در سیلان بازرسان شرکت‌های تعاونی سالانه دو سه بار، خصوصاً

مقارن تشکیل مجامع عمومی، سخنرانی‌هایی برای شرکاء ایراد می‌نمایند تا آنان را با امور تعاونی آشنا سازند.

همچنین اکثر سازمان‌های تعاونی (به خصوص اتحادیه‌ها و اتحادیه‌های ملی تعاونی) در زمینه مطبوعات فعالیت زیادی به خرج می‌دهند و نشریاتی بصورت دفترچه، اوراق تبلیغاتی، کتاب، جراید و مجلات سه ماهه و دو ماهه و ماهانه و هفتگی منتشر می‌سازند. بعضی از این نشریات برای استفاده عموم اعضای تعاونی انتشار می‌یابد و حاوی اطلاعات و معلومات کلی در زمینه تعاون است، در حالیکه برخی دیگر جنبه تخصصی دارد و مخصوص مدیران و روسا و سایر مسئولان تعاونی است.

موضوع تهیه و توزیع نشریات تعاونی آنچنان حائز اهمیت است که مثلاً در کنفرانس مطبوعات تعاونی سراسری هند، توصیه نامه‌ای به تصویب رسید مبنی بر اینکه نه تنها ارائه خدمات اطلاعات تعاونی ضرورت دارد بلکه ترتیب دروس مخصوصی برای آموزش و تربیت (مخصوصاً تربیت تعاونی) صاحبان امتیاز و نویسندگان نشریات تعاونی نیز خالی از فایده نخواهد بود. باید دانست که در ایالات متحده آمریکا چنین دروسی که دوره آن نیز کوتاه است برای استفاده مدیران و نویسندگان



جراید و مطبوعات تعاونی ترتیب داده شده است.

## گروه‌های مطالعاتی

تجربه نشان داده است که از میان تمام وسایلی که برای آموزش بزرگسالان مورد استفاده قرار می‌گیرد موثرترین و کم‌خرج‌ترین آنها همان تشکیل گروه‌ها یا انجمن‌های کوچک محلی است.

هسته اصلی آن می‌تواند محفل کوچکی باشد که مابلاً قبل از تاسیس هر شرکت تعاونی تشکیل می‌شود و در آن مسایل مقدماتی مورد بحث قرار می‌گیرد. این محفل نباید از هم پاشد، بلکه پس از تشکیل شرکت باید کار خود را دنبال و روزبه روز تکمیل کند. برای شرکت در گروه‌ها یا محافل مزبور، داشتن سوا مفید است ولی بهیچوجه نباید اجباری باشد.

به طور کلی دو نوع گروه مطالعاتی، متمایز از یکدیگر وجود دارد:

دسته اول عبارتست از گروه‌هایی که در آنها اطلاعات عمومی درباره نهضت تعاونی و تاریخچه و اقدامات و مشکلات آن به اعضاء تعلیم داده می‌شود. البته نه تنها مشکلاتی که مبتلا به کشر آن گروه‌هاست، بلکه به طور کلی در مورد این مشکلات در سراسر جهان هدف و منظور از این تعلیمات این است که اعتقاد اعضاء به مسلک و اصول عالی تعاونی راسخ‌تر شود و احساس کنند که به نهضت جهانی عظیمی وابسته‌اند. بدیهی است در این گروه‌ها ممکن است موضوعات مربوط به شاخه‌های مختلف علوم اقتصادی، اجتماعی و تدبیر منزل و غیره نیز مورد بحث و مطالعه قرار گیرد.

دسته دوم عبارتند از گروه‌های مطالعه و فعالیت که جنبه عملی بیشتری دارند و مسایل روزمره تعاونی را مورد بحث و انتقاد قرار می‌دهند. مثلاً در این گروه‌ها احتیاجات تازه و جستجوی طرق رفع آنها و ایجاد ادارات و قسمتهای جدید مورد بحث و شور قرار می‌گیرد، و هیئت مدیره شرکت تحقیق درباره

بعضی مسایل (مثلاً مصرف در خانواده‌ها، موضوع فروش به اقساط و غیره) در به آنها واگذار می‌کند، بطوریکه حتی می‌توان گروههای مزبور را به منزله یکی از اکان ثابت شرکت، و رابطه بین شرکا از یک طرف و اداره‌کنندگان یا مدیران شرکت از طرف دیگر، تلقی کرد.

چنانچه این گروهها فقط به وظیفه مشورتی خود اکتفا کنند و از دخالت در کارایی که در صلاحیت قسمت اجرایی مدیری، شرکت است اجتناب کنند، وجود و همکاران، آنها، چه برای شرکت‌های تازه کار و چه برای شرکت‌های سابقه‌دار، یا شرکت‌هایی که در حال توسعه هستند، بسیار ذیقیمت خواهد بود.

یکی از کارهای فوق‌العاده مفیدی که این قبیل گروهها می‌توانند انجام دهند شرکت در مبارزات تبلیغاتی بخاطر اجرا و پیشرفت بعضی طرحهای تعاونی است، مثلاً در ایالت اهایو (ایالات متحده آمریکا) مبارزه به منظور اجرای طرح «بیمارستان بیمه یا خرید تصفیه‌خانه نفت بوسیله شرکتی تعاونی توسط این گروهها آغاز گردید.

در جامائیکا برای تاسیس صندوقهای پس‌انداز، در سوئد به منظور تشویق پرداختهای نقدی در تعاونیهای مصرف یا گردآوری سرمایه‌های تازه جهت اقدامات جدید، چنین مبارزاتی به ابتکار گروههای مزبور صورت گرفته است.

ضمناً هر دو دسته، اعم از گروههایی که با مطالعات نظری می‌پردازند و گروههایی که فعالیت و مطالعه را با هم توأم می‌سازند، مکتب شایسته‌ای برای تربیت و انتخاب مدیران و مبلغان و سازمان‌دهندگان آینده تعاونی به شمار می‌روند. علاوه بر این نباید شرکت در این گروهها محدود به اعضا باشد. در سوئد یک سوم شرکت‌کنندگان مسئولان و مجریان و شاغلان پستهای حساس شرکت‌های تعاونی هستند.

**استفاده از شبکه انجمنهای مطالعاتی**  
هرگاه تعداد انجمنهای مطالعه‌ای مزبور در یک جا زیاد باشد، به منظور ایجاد تسهیل در



کار آنها و اخذ نتایج بهتر و احیاناً بسط دامنه فعالیت آنها، با در نظر گرفتن وسایل و امکانات موجود، لازم است که این گروهها سازمان یابند و تحت نظم و ترتیب درآیند.

اینک بعنوان مثال چند نمونه از این قبیل سازمانها را ذکر می‌نمایم.

طرز عمل - در سوئد ابتدا در اعضای گروه (که از ده تا دوازده نفر مرکب می‌شود) آمادگی ذهنی بوجود می‌آورند، به این معنی که همگی در خانه یکی از اعضا گرد می‌آیند و کتاب راهنمایی که توسط اتحادیه تعاونیهای مصرف سوئد تهیه شده است برایشان قرائت می‌شود. این کتاب حاوی اطلاعات و معلومات اولیه موردنیاز شرکت‌کنندگان است و ایشان را برای تبادل آراء و اظهار نظر در مسایل تعاونی آماده می‌سازد. به طوری که کاملاً خود را با دیگران هم سطح و متساوی احساس کنند.

گذشته از این، کتاب راهنمای مزبور حاوی فهرستی از کتابهای تکمیلی تعاونی و سوالاتی برای طرح در جلسه و نیز پرسشنامه‌هایی است.

اعضای گروه پس از مباحثه به سوالات مندرج در پرسشنامه جواب می‌دهند و آنرا به قسمت مربوط اتحادیه می‌فرستند. قسمت

مزبور هم بدون اینکه اصلاحی در آن بعمل آورد پرسشنامه را همراه با سوالات جدیدی پس می‌فرستند.

این سوالات غالباً مسایل جدیدی را که ممکن است مورد توجه کافی قرار نگرفته باشد مطرح می‌سازد و حتی راه‌حلهای قطعی برای آنها پیشنهاد می‌نماید.

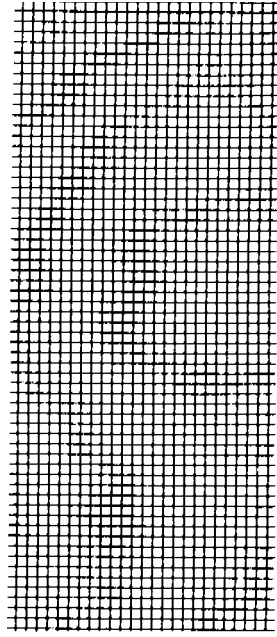
وقتی باین ترتیب گروه آمادگی حاصل کرد، دیگر لازم نیست رئیس انجمن جنبه معلم به خود گیرد، بلکه وظیفه او عبارت خواهد بود از رهبری مباحثات و مخصوصاً ترغیب اعضای خجول و کم جسارت به دخالت در گفتگو و اظهار نظر.

برای تشویق اعضا به شرکت در جلسات گروه، خصوصاً وقتی کتاب راهنما یا نشریه مشابه آن موجود نباشد، می‌توان از اعضا خواست که مطالب قابل طرح و بحث را خود تهیه کنند زیرا یکی از وسایلی که ممکن است در شرکت‌کنندگان ایجاد علاقه و دلگرمی کند انتخاب موضوع مباحثه بوسیله خود ایشان است.

### توسعه فعالیت گروه

در ایالت کبک (Quebec) واقع در کانادا اجتماعات عظیم (جلسات بحث و برخورد عقاید و آراء) با شرکت چهار صد یا پانصد نفر تشکیل می‌شود که طرز کار آن تا حدودی مانند گروههای مطالعاتی مذکور در بالا است که در آن هر کس نظر خود را بیان می‌کند ولی مسایل مورد بحث قبلاً در محافل کوچکتر و محدودتری مورد مطالعه قرار گرفته بوده است. حضور اعضا این محافل کوچک در اجتماعات بزرگ موجب می‌گردد که حاضران در گفتگو شرکت کنند و ضمناً به ایرادات و اعتراضاتی که می‌شود توسط اشخاص مطلع پاسخ داده شود.

یکی دیگر از طرقی که موجب پیشرفت کار و شناساندن گروه می‌گردد (مخصوصاً موقعیکه موضوعات مورد علاقه قاطبه مردم و سکنه یک ناحیه باشد. مثلاً امر بهداشت و مسکن و غیره) عبارت از این است که



عیاران و جو مردان تنها گروه سازمان یافته دارای اصول، اخلاقی معین و چارچوب تشکیلاتی مشخص و مرامنامه مردمی بوده‌اند. از معتقدان به این نهضت می‌توان از یعقوب لیث صفاری، پهلوان پوریای ولی و گروه اخوان صفا نام برد.

گروه «انیه» یا «اخیان» که در پایان دوره سلجوقی ظهور کردند نیز در شمار فیتان (اهل فتوت) بوده‌اند، پیروان این فرقه غریب نوازی می‌کردند، به مسکینان طعام می‌دادند، از بیچارگان دستگیری می‌نمودند، حاجت محتاجان را فراهم می‌آوردند و دست ظالمان را کوتاه می‌کردند. روزها در پی کار خود بودند و شب‌ها در زاویه‌ای<sup>(۲)</sup> که در آن فرشها، چراغها و دیگر لوازم مورد نیاز آماده بود، گرد می‌آمدند و از مسافران و غریبان پذیرایی می‌کردند. افراد این فرقه یکدیگر را «اخی» (برادر من) خطاب می‌کردند.<sup>(۳)</sup>

## آیین جوانمردی و سیره جوانمردان

نگاهی به کتاب «تُحَفَةُ الْأَخْوَانِ فِي خَصَائِصِ الْفِتْيَانِ»  
«مُلا عبدالرزاق کاشانی»

کیومرث فلاحی

«قابوس بن وشمگیر» می‌گوید:

«اصل جوانمردی سه چیز است: یکی آنچه بگویی، یکی، دوم آنکه راستی در قول و فعل نگاه داری، سیم آنکه شکیب را کار بندی، زیرا که هر صفتی که تعلق دارد به جوانمردی، در این سه چیز است.»<sup>(۱)</sup> عیاری و جوانمردی از اواخر قرن دوم هجری گسترش یافت، این نهضت از بُعدی دیگر نیز مورد توجه و بررسی است، چرا که در میان مسلک‌های گوناگون فکری و عقیدتی که در ایران دوره اسلامی، جلوه‌گر شده‌اند و در حفظ بنای ملیت و تخلق مردم به مکارم اخلاق، سهم داشته‌اند، نقش فیتان و جوانمردان غیرقابل انکار و در خور تذکار است.

این نقش به ویژه در مرحله گذار و انتقال قدرت از دسته‌ای به دسته‌ای دیگر در خور توجه است، جوانمردان در جار و جنجال‌های مربوط به قلمرو فرمانروایی، در نظام بخشیدن به حاکمیت سیاسی و دینی از نفوذی عمده برخوردار بوده‌اند و عهده‌دار وظیفه‌های مهم و خطیر سیاسی و اجتماعی واداری می‌شده‌اند.

بر این روال است که در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، بویژه در سده‌های میانه،

جوانمردی، فتوت یا عیاری، شیوه‌ای است که رادمردان سرزمین ما در دوران اسلامی پیش گرفتند. این روش یکی از راههای تربیتی و پرورشی در جامعه اسلامی سده‌های میانه بوده است. عیاران و جوانمردان پایند چارچوبهای ویژه‌ای در زندگی بودند که بعدها کم‌کم و به تدریج به آیین‌های عرفانی گرایش پیدا کرد و به صورت مرام فتوت درآمد.

از آنجایی که تعاون و مودت و معاضدت و همکاری از اصول جوانمردی و آیین فیتان بوده است، بررسی آراء و افکار این نحله فکری، در پیشبرد روح تعاون و ایجاد همدلی، یاری رسان دلسوختگان این راه خواهد بود.

«فتوت» در آغاز مفهومی اخلاقی بوده است و معتقدان به آن، تمامی صفات نیکویی را که در گستره خیالشان طی سده‌ها و عصرها برای «انسان آرمانی» تصور می‌کرده‌اند در شخص «فتی» و «جوانمرد» می‌دیده‌اند.

جوانمردی با سخاوت و بخشندگی و همت و پهلوانی مترادف است و کسانی از آنان چون «پوریای ولی»، شایستگی به دست آوردن مقامی والا شده‌اند.

### کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی

یکی از اندیشمندان نهضت عیاران و جوانمردان، ملا عبدالرزاق کاشی است. کمال‌الدین عبدالرزاق فرزند جلال‌الدین کاشانی، از اعیان بزرگ قرن هشتم هجری به شمار می‌رود، وفات او را در تاریخ سوم محرم، سال ۷۳۶ هجری قمری نوشته‌اند. وی در تسریع مجتهدی مسلم و در طریقت عاری و اصل است.

به روایت، مولانا عبدالرحمن جامی در کتاب «نفحات الانس»، کمال‌الدین عبدالرزاق با رکن‌الدین علاءالدوله سمنانی معاصر بوده است. «میان ایشان در قول به وحدت وجود مخالفت و باحثات واقع است و در آن معنی به یکدیگر بکوبات نوشته‌اند»<sup>(۴)</sup> کمال‌الدین عبدالرزاق عرفان شاگرد و پیرو شیخ نورالدین عبدالصمد علی نظری اصفهانی<sup>(۵)</sup> و شیخ ظهیرالدین عبدالرحمان فرزند نجیب‌الدین علی بزغش شیرازی<sup>(۶)</sup> است.

این دو شیخ از مریدان و تربیت شدگان شیخ نجیب‌الدین بزغش و او نیز شاگرد و پرورش یافته شیخ شهاب‌الدین سهروردی<sup>(۷)</sup>

بوده است. دانستی است که برخی از عقاید «سهروردی» نیز بی‌شبهت به نهضت جوانمردان نیست، و در کتاب «کلمة التصوف»، ریشه‌های آیین جوانمردان را از پیش از دوره اسلامی و در ایرا، قدیم جسته و آنرا تا زمان خود پی‌گرفته است، سهروردی می‌گوید:

«در میان ایرانیان گروهی بود که به حق راهنمایی می‌کردند و حکیمانی دشمند بودند که به مجوس شباهتی نداشتند، و بر آن طریق گام زدن نبودند، و ما حکمت زریه شریفه آنانرا، که ذوق افلاطون و کسانی که پیش از او بودند، (گواه آنست)، در کتاب موسوم به حکمة الاشراق و مسانند آن، زنده گردانیدیم.»<sup>(۸)</sup>

بهر حال کمال‌الدین عبدالرزاق، را می‌توان با دو واسطه شاگرد شهاب‌الدین سهروردی نامید و تاثیر افکار شیخ را در نوشته‌هایش یافت.

جدای از عقاید سهروردی، گه‌هایی از تاثیر «امام محمد غزالی» و کتاب پرآوازه «احیاء العلوم» و آثار «ابن مسکویه» در آثار ملاعبدالرزاق نمایان است.

از «ملاعبدالرزاق کاشانی» آثار بسیاری به فارسی و عربی بجای مانده است که از آن همه می‌توان به:

اصطلاحات صوفیه، رساله فی تعیین السنة الالهیه، تأویلات، تفسیر آیه الکرسی، تفسیر سوره جمعه، شرح جز کمیل، لطایف الاعلام فی اشارات الافهام، حلیة الابدال شرح تائیه ابن فارض، رساله قضا و قدر، شرح منازل السائرین خواجه عبدالله، تعلیه بر شرح فصوص الحکم محی‌الدین عربی و کتاب «تحفة الاخوان فی خصائص الفتیان» اشاره داشت.

### «تحفة الاخوان»

کتاب تحفة الاخوان به دو زبان عربی و فارسی نوشته شده است و دارای یک دیباچه، ده فصل و یک خاتمه می‌باشد. این کتاب یکی از معدود نوشته‌هایی است که ادعای جامع

درباره جوانمردان و فتیان را به ما می‌رساند. برای درک بهتر و بهره‌وری بیشتر از این کتاب از هر دو منبع فارسی و عربی استفاده شده است.

### تاثیر کتاب تحفة الاخوان بر دیگر نوشته‌ها:

این کتاب پس از نگارش مورد توجه اهل ادب و عرفان قرار گرفته است به طوری که کتابهای «نفایس الفنون فی عزایس العیون» شمس‌الدین محمد محمود آملی از علمای سده هشتم، و «فتوت نامه سلطانی» ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری و «طرائق الحقائق» محمد معصوم شیرازی، از آن مایه گرفته‌اند.

### دیباچه کتاب

مقدمه کتاب «تحفة الاخوان»، شامل چهار فصل است، ملاعبدالرزاق در این چهار فصل به بیان حقیقت فتوت، منبع و مظهر آن، مأخذ و مبدأ این طریقت و مبادی و مبانی آن می‌پردازد:

### بیان حقیقت فتوت

در این بخش به شرح و وصف فتوت و جوانمردی پرداخته شده است، صاحب کتاب عقیده دارد: زمانی که فضیلت‌های اخلاقی بر ذللت‌ها غالب شوند، جوانمردی و فتوت ظاهر می‌گردد. «... فتوت عبارتست از ظهور نور و استیلاء آن بر ظلمت نشأت، تا تمام فضایل در نقش ظاهر شود و ذایل منتفی گردد:»<sup>(۹)</sup> فتوت نشانه قرب حق است.<sup>(۱۰)</sup> پایه



و اساس جوانمردی و فتوت، مروت است، مروت نشانه سلامت و صفای فطرت است. مروت به کمال نمی‌رسد، مگر اینکه با عفت و عفاف همراه باشد.

«مدار مروت عفاف است، چون عفاف تمام شد، مروت تمام باشد»<sup>(۱۱)</sup> جوانمردی با ترس و جبن همخوانی ندارد، جوانمرد دل شیر دارد و او را از سختی و گزند باکی نیست. شجاعت پایه فتوت است و برای دستگیری از ستمدیدگان و مظلومان شرط و لازمه جوانمردی است. «مدار فتوت شجاعت است، چون شجاعت به کمال رسید، فتوت تمام باشد.»<sup>(۱۲)</sup> «ملا عبدالرزاق» در پی جستجوی حقیقت و ریشه فتوت به آیه ۱۲ سوره کهف اشاره می‌کند، زیرا اصحاب کهف، نمونه‌های واقعی فتوت بودند و شجاعت و عفت را پاس می‌داشتند.

... إِنَّهُمْ قَتِيَّةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى  
اینان (اصحاب کهف) جوانمردی چند بودند، به خداوند خویش بگرویدند، و ایشان را راهی راست فرودیم.  
وَ زَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ  
و دل‌هایشان را با محبت و ایمان استوار کردیم.

### منبع و مظهر فتوت

کمال‌الدین عبدالرزاق بر این باور است که جوانمردی در سایه ولایت رشد می‌کند. ولی و امام، سرمنشأ جوانمردی است و فتوت نیز لازمه ولایت است. در اینجا دیدگاه‌های شیعی و محبت اهل بیت در کلام عارف ما پدیدار می‌شود که می‌فرماید:

«چون مقرر شد که فتوت مینا و اساس ولایت است و مبدا و قاعده آن، پس هر کجا ولایت ظاهر شود، فتوت کمال یافته.»<sup>(۱۳)</sup>

### مأخذ فتوت و مبدأ این طریقت

صاحب تحفة الاخوان، مبدأ آیین جوانمردی را به روزگار پیامبر گرامی اسلام می‌رساند و علی(ع) را سالار جوانمردان و نخستین فتیان می‌داند، در این خصوص

داستانی شگفت را باز می‌گوید:

«در خبر است که پیامبر علیه‌الصلوة والسلام - روزی با جمعی نشسته بود، شخصی درآمد و گفت: «یا رسول... در فلان خانه مردی و زنی به فساد مشغولند.»

فرمود: «ایشان را طلب باید داشت و تفحص کردن»، چند کس از صحابه در احضار ایشان دستوری خواستند، هیچ یک را اجازت نداد. امیرالمومنین علی - علیه‌السلام - درآمد. فرمود: «یا علی تو برو بین تا این حال راست است یا نه؟»

امیرالمومنین علی بیامد، چون به در خانه رسید، چشم بر هم نهاد و در اندرون رفت و دست بر دیوار می‌کشید تا گردخانه برگردد و بیرون آمد. چون پیش پیغامبر رسید گفت: «یا رسول... گرد آن خانه برآمدم، هیچ کس را آنجا ندیدم.» پیامبر علیه‌الصلوة والسلام - به نورنبوت بیافت. فرمود که: «یا عَلِي أَنْتَ فَتَى هَذِهِ الْأُمَّةِ»

ای علی: تو جوانمرد این امتی (۱۴)

بعد از آن قدحی آب و قدری نمک خواست، سلمان فارسی آنرا حاضر کرد، رسول علیه‌الصلوة والسلام - کفی نمک برداشت و گفت: هَذِهِ الطَّرِيقَةُ (۱۵) و در وی افکند و کفی دیگر برداشت و «گفت»: هَذِهِ الْحَقِيقَةُ (۱۶) و در او انداخت و به علی داد تا قدری باز خورد و گفت: «أَنْتَ رَفِيقِي وَأَنَا رَفِيقُ جَبْرِئِيلَ وَجَبْرِئِيلُ رَفِيقُ اللَّهِ تَعَالَى» (۱۷) و بعد از آن سلمان را فرمود تا رفیق علی شد و قدح از دست او باز خورد... بعد از آن زیر جامه خود در علی پوشانید و میان او در بست و فرود که:

أَكْمَلْتُكَ يَا عَلِيُّ: یعنی ترا تکمیل می‌کنم.

و مأخذ فتوت و اصل این طریقت این حدیث است. (۱۸)

آنگاه به تفسیر و شرح این روایت می‌پردازد و «آب» را به دانش و حکمت و «نمک» را به عدالت و «زیرجامه پوشانیدن» را به عفت و «میان بستن» را به شجاعت تعبیر می‌کند و نیک می‌دانیم که این چهار صفت رکن‌ها و پایه‌های فتوت و جوانمردی می‌باشند.

خداوند زرنگ تزکیه را بر همه چیز مقدم فرموده است

يُرَكِّبُهُمْ اِيَّاكُمْ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (۲۴)

مولانا جلال‌الدین بلخی، در مثنوی معنوی، اهل صیقل و تزکیه را، صاحبان علم‌الیقین و ستگان از بووزنگ می‌داند:

«اهل صبل رسته‌اند از بووزنگ

هر دمی بیند خوبی بی‌درنگ

نقش و فر علم را بگذاشتند

رأیت عام‌الیقین افراشتند

رفت فکر و روشنایی یافتند

نحو و بر آشنایی یافتند (۲۵)

و کمال‌الدین عبدالرزاق نیز حدیثی شنیدنی از این نکته دارد و تزکیه را چنین تعریف می‌نماید: «... آداب جمیله و اعمال صالحه و عادت ستوده و شمایل پسندیده و نیات صادقه. افکار صائبه و آراء صحیحه و افعال حمیده و دواعی (۲۶) خیرات و شرف بر وجوه بزرگواران و احسانات و هر چه مردم را از رذایل و ذمام بپرهیزاند و از افعال سبّاح و بهایم دور گرداند.» (۲۷)

برای دستیابی به این صفات، اسبابی لازم است، به قول عارف ما:

«اصل ال‌ب این اسباب و ملاک این امور «حیا» است. (۸)

پیامبر بزرگوار پروا و حیا را نشانه ایمان دانسته است.

الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ

و علی (ع) می‌فرماید: مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ تَوَبَّه لَمْ يَزِرْ النَّاسَ نَبِيَّةً

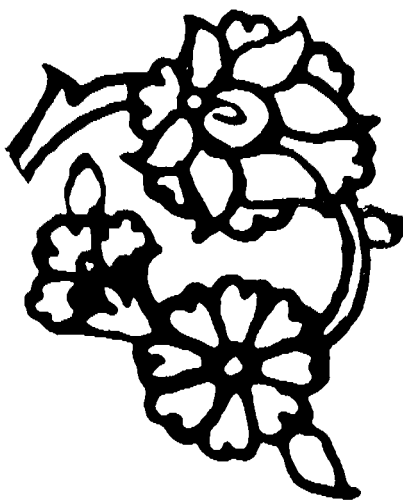
هر کس که صفت حیا موصوف باشد، هیچ عیب از او ظاهر نگردد.

حیاء منة و فضیلت، عفت است و عفت پایه مروت و فتوت است.

### اصول فتوت:

مبانی و عوالی که فتوت بر آن بناگشته و جوانمردی بر آن قوام گرفته است، هفت مورد است که در روایتی از امام علی (ع) به آنها اشاره شده است.

أَصْلُ الْتَوْبَةِ الْوَفَاءُ وَ الْبُصْرَةُ وَالْأَمْنُ وَ



«قدح» آب، اشارتست به علم و حکمت. و نمک اشارت است به صفت عدالت که کمال فضایل اخلاقی است، چه صحت و قوت نفس انسانی نبود الا به فضایل اخلاق و هیچ خلق استقامت نپذیرد و به صلاح نینجامد و کمال نیابد الا به عدالت، چنانکه صحت و قوت بدن نبود الا به انواع اطعمه و اغذیه و هیچ طعام بصلاح نیابد و خوش طعم و گوارا نگردد الا به نمک.

و اخلاق بعد از استعداد مستفاد نبود الا از کاملی که طریق متابعت رسول درست دارد، چه او برای آن معوث است. چنانکه فرموده: بُعِثْتُ لِأَتِمِّمْ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (۱۹) وَ حَقَّ جَلِّي وَعَلَا دَرُوصِ او گفته: إِنَّكَ لَعَلِي خُلُقِي عَظِيمٍ (۲۰) تو بر خوبی بزرگواری (۲۱) در حقیقت تو بر نیکو خلقی عظیم آراسته‌ای) و اما شلوار پوشانیدن اشارتست به فضیلت عفاف و میان بستن اشارتست به فضیلت شجاعت و صورت قیام نمودن به خدمت. (۲۲)

### مبانی و مبانی جوانمردی

در آیین جوانمردی و سیره جوانمردان، گام اول، تزکیه و پاکی دل می‌باشد. «مبانی آن اسباب، تزکیه نفس و تصفیه دل تواند بود» (۲۳) تزکیه نفس یعنی دل بستن به خوبیها و دور گشتن از بدیها، دل را به نور معرفت روشن داشتن و چشم را از غیر خدا فرو بستن.

السَّخَاءُ وَ التَّوَّاضِعُ وَ النَّصِيحَةُ وَ الْمَدَايَةُ وَلَا يَسْتَأْجِلُ الْفُتُوَّةَ إِلَّا مَنْ يَسْتَعْمِلُ هَذِهِ الْفَضَائِلَ (۲۹)

پایه و اساس جوانمردی عبارت است از: وفا، راستی، امنیت درونی، سخا و تمندی، فروتنی، پند، هدایت طلبی، کسی اهل جوانمردی نمی‌گردد مگر به این ویژگیها آراسته شود. ملا عبدالرزاق می‌گوید: «اصل فتوت این هفت خصلت است و هر که را مستعمل این خصال نباشد، مستحق سم فتوت نبود»

در حدیثی دیگر امام علی (ع) در پاسخ پرسشی از امام حسن مجتبی (ع) که از فتوت پرسیده بود، می‌فرماید:

هِيَ الْعِفَّةُ عِنْدَ الْفُدْرَةِ وَ التَّوَضُّعُ عِنْدَ الدَّوْلَةِ وَ السَّخَاءُ عِنْدَ الْفَلَةِ وَ الْعَطِيَّةُ بِرِئْتِهِ (۳۰)

عفو در وقت قدرت، فروتنی در زمان دولت، سخا به هنگام فقر و ناداری و عطای بی‌منت. بهر حال هدف از آیین جوانمردی و پیشه عیاری، کسب همه فضیلت‌ها، اخلاقی است و در راس این فضیلت‌ها عفت و شجاعت و حکمت و عدالت برار دارد. کمال‌الدین عبدالرزاق می‌گوید:

«حاصل آن به اتصاف به جمع فضایل اخلاق آید چه فضایل به یک بار در چهار جنس منحصرند: عفت و شجاعت و حکمت و عدالت. و اصول هشتگانه هر دو خصلت از جنسی از این چهارگانه‌اند: توبه و سخا از باب عفت تواضع و امن از باب شجاعت صدق و هدایت از باب حکمت وفا و نصیحت از باب عدالت» (۳۱)

کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی، پس از ذکر مقدمه، بابهای ده‌گانه فتوت را برمی‌شمارد:

باب اول در توبه - باب دوم در سخا - باب سوم در تواضع - باب چهارم در امن - باب پنجم در صدق - باب ششم در هدایت - باب هفتم در نصیحت - باب هشتم در وفا - باب نهم در آفات فتوت و قوادح مروت - باب دهم در فرق میان فتی و مفتی و مدعی.

### باب اول در توبه

«توبه» بازگشت از بدیها به سوی خوبیهاست

در انجیل متی از قول یحیی بنی آمده است که: وقت تمام شد، توبه کنید، ملکوت خدا نزدیک است. در آیه ۸ سوره کریم خداوند متعال می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا إِنَّهُ يَتُوبُ الْعُصْيَانَ إِنَّهُ عَزِيزٌ مُرِيدٌ (۳۲)

ای ایمان آورندگان، به سوی خدا برگردید و توبه کنید، توبه‌ای بی‌بازگشت. ملا عبدالرزاق کاشانی در خصائص جوانمردان توبه را باب اول شمرده است. وی توبه را اصل و اساس در باب عفت می‌داند و مبدأ و فاتحه احسان و مروت می‌خواند.

اما در این راه نباید گرفتار زیاده روی و یا کم‌رویی شد. چرا که افراط حرص و شره را در پی دارد که صفات بهائم و حیوانات است و تفریط جمود و خمود را بدنبال می‌آورد که صفت جامدات می‌باشد. میانه روی پیشه انسان متعادل است و جوانمرد زمانی که عزم توبه دارد، اندیشه برگشت به گذشته را هرگز به ذهن خود راه نمی‌دهد:

«... صاحب فتوت کسی تواند بود که چون نیت رجوع از چیزی جزم کرد و روی دل را از آن بگرداند، هرگز با آن معاودت ننماید و خاطر امکان عود او را در دل نگذارد» (۳۲)

«توبه» با شکیبایی و صبر همراه است. از ضرورت‌ها و لازمه‌های فتوت عزم مردانه و قوت و صبر بر امور و ثبات است، و توبه نصوص مستلزم صبر است از لذات و مشتهیاتی (۳۳) که از آن اعراض کرده باشد» (۳۴)

از دو خصلت توبه و صبر حسن سمت و



ورع در نفس پیدا می‌گردد. «حسن سمت و محبت اموری است که موجب کمال نفس و علو قدر بود»

ورع یا پرهیزگاری دوری از گناهان و زشتیها و همراهی با نیکوئیهاست. بقول عارف ما: ورع «اجتناب از امور قبیح و ملازمت اعمال جمیل» است. (۳۵) هنگامی که ورع و پرهیزگاری ملکه وجود آدمی گشت، در کسب روزی و به دست آوردن مال نیز میانه روی را پیش می‌گیرد و قناعت را پاس می‌دارد. «قناعت، تساهل است در اسباب معاش و اقتضای آن بر قدر کفاف و تجمل، و اظهار فاخه ناکردن. استغنا نمودن و احتیاج پوشانیدن و اظهار فاخه ناکردن. چه کفاف حدی معین است در تحصیل معاش که چون از آن بگذرد، نهایت ندارد و آنگاه حرص مستولی گردد و ورع باطل کند» قناعت قرین نظم و برنامه‌ریزی است. «در قناعت از انتظام ناگزیر بود، و آن تقدیر امور و ترتیب اسباب است به حسن مصالح» (۳۶)

مولا علی فرموده است: كُنْ مُقَدِّرًا وَلَا تَكُنْ مُقْتَرًا (۳۷)

خرج به اندازه کن، اما تنگ باز مگیر هفت قرن بعد، این جمله در شعر شیخ شیراز، سعدی، آمده است:

«چو دخلت نیست خرج آهسته تر کن که می‌خوانند ملاحان سرودی اگر باران به کوهستان نبارد به سالی دجله گردد خشک رودی»

سرانجام قناعت، آزادگی است و چشم از غیر خدا فرو بستن، خودبسنده بودن و به خود اتکا داشتن. «نهایت قناعت، حریت باشد» و آن اکتساب مال است بی‌مهانت و مذلت و انفاق آن در مصارف جمیل بی‌ریا و منت. آزادگی و حریت، سرمایه فتوت و عنوان مروت است.

### باب دوم در سخا

«سخا، افادت چیزی است که باید داد، کسی را که شاید داد بر وجهی که باید داد، بی‌زحمت منتی یا توقع غرض و عوضی و گر همه ثنا و مدح باشد»



لَجَاهِلٌ سَخِيٌّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ غَائِدٍ بَخِيلٍ (۳۸)  
 جاهل بخشنده را بیشتر دوست دارم تا  
 عابدی که از دیگران دروغ می‌ورزد.  
 سخاوت‌مندی مرتبه‌هایی دارد، کمترین درجه  
 سخا، مسامحت است. «... و آن ترک حقی  
 مالی بود که ترک آن لازم نباشد بر سیل  
 تبرع» (۳۹) مرتبه دوم مسامحت است و مسامحت  
 «بسدل چیزی است که دادن آن واجب  
 نباشد» (۴۰) در مرحله بعد، «مواسات» قرار  
 دارد. «بذل مال در معاونت یاران و دوستان و  
 شرکت دادن ایشان در هر چه بدو مخصوص  
 بود» (۴۱) دیگر «کرم» است و کرم «انفاق مال به  
 سهولت و طیب نفس در امور عظام و مقاصد  
 عالی» (۴۲) «بذل نیز درجه دیگری از سخاوت  
 است. که سرور نفس به اعطاء مال است. (۴۳)  
 اما بالاترین درجه و مرتبه سخا، بذل مال با  
 وجود احتیاج بدان است که اشرف این خصال  
 و أعزّ این انواع می‌باشد. خداوند متعال در  
 قرآن کریم از ایثارگران بدینگونه یاد می‌کند:  
 يُؤْتِرُونَ عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانُ بِهِمْ  
 حِصَاةٌ (۴۴)

مهمان را بر خود می‌گزینند، هر چند که به  
 طعام آرزومند و نیازمنداند.  
 وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا  
 أَسِيرًا (۴۵)

چنین است آیین مردان دین  
 کسی کاو زیزدان بود بریقین

### باب سوم در تواضع

تواضع، فروتنی، مرتبه‌ای از مراتب  
 شجاعت است و آن «مطیع گردانیدن قوت  
 غضبی» است (۴۶) کمال و اعتدال «قوت،  
 تواضع است. اگر این نیرو به افراط بیانجامد.  
 کبر و عجب و حقد و تهور را به بار می‌آورد و  
 اگر به تفریط بگراید جبن و خوف سستی  
 ارمغان آنست. (۴۷)

فروتنی زمانی ارزش بیشتری پیدا می‌کند  
 که انسان آنرا در نهایت قدرت و مکتب انجام  
 دهد و گرنه به قول شاعر:

تواضع زگردن فرازان نکوست  
 گداگر تواضع کند خوی اوست

به همین نسبت نرم خویی و رفق و مدارا و  
 تأنی نیز صفات پسندیده‌ای هستند که نتیجه  
 تواضع گردن فرازان نیکو خصال است. این  
 مضمون که در شعری به جوانمرد پوریای ولی  
 نسبت داده شده است بخوبی نمایان می‌گردد!  
 «گر بر سر نفس خود امیری مردی

گر بردگران خرده‌نگیری مردی  
 مردی نبود فتاده را پای زد  
 گر دست فتاده‌ای بگیری مردی»

### باب چهارم در أمن

جوانمردانی که آراسته به صفات پرهیز و  
 بخشش و فروتنی شده‌اند. به صفت امن  
 موصوف می‌شوند.

«أمن ثقت و طمأنینت نفس است.» (۴۸)

و این بدان معنی است که:

«در مخاوف و مصائب جزع نکنند، در  
 وقایع و مهالک بددل نگردد.» (۴۹)  
 اولئك لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ (۵۰)

### باب پنجم در صدق

راستگویی و صداقت از ویژگیهای بارز  
 جوانمردان و فتیان است. صدق مبنی و اساس  
 حکمت است. کمال‌الدین عبدالرزاق گفته  
 است: «چنان باید کرد تا درست گفتاری و  
 درست کرداری ملکه گردد» (۵۱) صدق دو بعد  
 دارد، صدق در نیت و صدق در کردار، پوینده  
 راه و جوینده طریق در دل و جان بایستی تنها  
 خدا را در نظر داشته باشد. «استقامت قصد  
 است، توجه به جناب اوتعالی، به هر کار که در  
 آن شروع کند.» (۵۲)  
 فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ (۵۳)

به همین قیاس کذب و دروغگویی آفت  
 جوانمردی است و در آیین رادمردان گناهی  
 بالاتر از دروغگویی وجود ندارد.

دروغ در «حیض الرجال» خوانند و هیچ  
 عیب و ناجو نمردی بدتر از دروغ نیست. (۵۳)  
 بعد دینه صدق، صدق در فعل است و  
 آن این است که «حقوق هر صاحب حقی بر او  
 موثقی دارند و از انواع خیانت و جنایت و هر  
 چه شرعاً یا عرفاً مکروه بود، احتراز واجب  
 شمارند» (۵۴)

صداقت در کردار، در عمل انسان پیرو  
 طریق فتیان خود را آشکار می‌سازد، کردار و  
 گفتار و پندای جوانمردان یکی است.

### باب ششم در هدایت

جوانمرد و پیرو آیین فتیان، هنگامی که در  
 طریق رادمردی گام برداشت، قدم در راه  
 هدایت می‌زند و با چشم دل و گوش جان  
 آنچه نادانی و ناشنیدنی است می‌بیند و  
 می‌شنود، الله مه هدایت «عبارت است از افتتاح  
 عین بصیرت به مدد توفیق و اکتمال آن به نور  
 تایید تا مطلوب را عیان مشاهده کنند» (۵۵)

وَالَّذِينَ يَاهْتَدُوا إِنَّا نَهْدِيهِمْ سُبُلَنَا

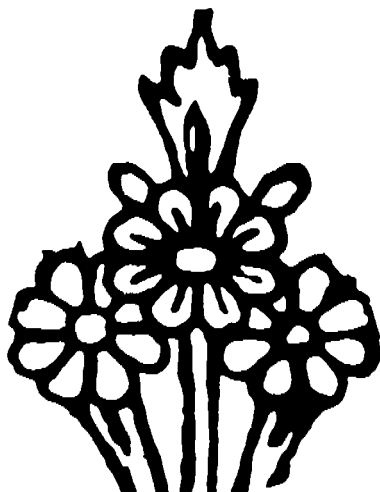
ملا عبدالمعز اراق هدایت را در شناخت حق  
 تعالی و پیروی از احکام او می‌داند:

«... هدایت، راه یافتن به معرف حق جل و  
 علا، تصدیق به وجود او و علم توحید و  
 اخلاص و معرفت صفات و افعال او و معرفت  
 انبیاء و اولیا، و خواص و اصفیاء است.» (۵۶)  
 «واهدت، به احکام الهی و تمیز میان  
 واجبات و مباحثات و مکروهات  
 و محظورات»

### باب هفتم در نصیحت

خیرخواهی و مردم را به کار نیک فرا  
 خواندن از داب جوانمردان و فتیان است.  
 مبدأ ظهور نور عدالت و مبنی و اساس  
 صداقت، نصیحت است.

«نصیحه، نیکخواهی خلق خدا باشد و  
 تنبیه ایشان بر طریق بر و صلاح و ترغیب ایشان  
 در خیرات دبا و عقبی» (۵۷)



نصیحت گو می‌بایست ناصح سان‌ها در طریق و نیکی و اخوت، تعاون و تودد و انصاف مکافات (مقابله احسان) مثل یا زیادت) باشد.

جوانمرد همواره در پی کسب رضای خالق به دلجویی از خلق می‌پردازد و با مردم در رفیق و مدارا و دوستی می‌کوشد. رادمرد دوستانش را از دست نمی‌دهد، بلکه روز به روز به شمار آنان می‌افزاید. وی سخن حکیم سنایی را به گوش دارد که:

بد کسی دان که دوست کم دار  
زوبتر چون گرفت بگذارد<sup>(۵۸)</sup>

### باب هشتم در وفا

صاحب تحفة الاخوان می‌گوید: «وفا، نهایت اقدام فتوتست و غایت کمال قوت فطرت»<sup>(۵۹)</sup> وفاداری، بر سر پیمان بیدن و عهد را بسجای آوردن از ویژگیهای مردی و مردانگی است و جوانمردان، بیش از هر چیز با این صفت شناخته می‌شوند، تکیه کلامهایی مانند: حق دوستی و رفاقت، حق نای و نمک، حق سلام و علیک، که هنوز هم در زبان گفت و شنود عارف و عامی جای دارد، بازمانده‌ای از آن سنت نیک و یادآوری رادردی‌ها و پهلوان منشی، دلیر مردان این مرز و بوم است. عارف ما در این باب نمونه‌ها و اقوال بسیار نقل می‌کند و از کتاب خدا، نشانه‌ها می‌آورد:<sup>(۶۰)</sup>

إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَى<sup>(۶۱)</sup>

در مدح علی(ع) نیز نازل شده است که:

يُوفُونَ بِالَّذِرِّ

و از کسانی می‌گوید که پیمان نگهدار و عهد ناشکن هستند:

...وَأُولَ الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ

وفای به عهد از ویژگی‌های ایمان آورندگان است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ

و رسول اکرم(ص) نیز دیده‌اری را در وفای به عهد شمرده است:

لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ<sup>(۶۲)</sup>

دین ندارد، آنکس که پایبند به عهدش نمی‌باشد.

### باب نهم، آفات فتوت و قوادح مروت

در باب نهم کتاب تحفة الاخوان، آفات‌های راه جوانمردان و طریق فیتان گوشزد می‌شود. بدترین بلاها و سخت‌ترین سدهای راه مروت، «عجب و کبر» است. خودبینی و خودپسندی بلایی است که جوانمرد را در دره هولناک «منیت» سوق می‌دهد و سرانجام او را به ورطه نابودی می‌کشاند. پرتو نوع دوستی و عشق به نیکی و همدلی و همکاری را در ذهن و دلش خاموش می‌کند و آسایش و آرامش درونش را برهم می‌زند. جوانمرد اگر به عجب و کبر موصوف شود، فضیلت عین رذیلت گردد و فطرت را از بلوغ غایت و کمال منع کند و به جمال و کمال خویش معذور گردد و صاحب خود را به حُسان فضیلت بفریبد.<sup>(۶۳)</sup>

سرور کائنات و مفخر موجودات در این خصوص فرموده است: لَوْلَمْ تَذَبُّوا لَخَشِيتُ عَلَيْكُمْ

مَا هُوَ أَشَدُّ مِنَ الذَّنْبِ الْعُجْبِ، الْعُجْبِ<sup>(۶۴)</sup>

باز فرمود: مَنْ تَكَبَّرَ وَضَمَّهُ اللَّهُ<sup>(۶۵)</sup>

عجب و خودبینی، در تضاد با همدلی و همراهی است. و اگر پایه همدلی استوار نباشد از جوانمردی نمی‌توان سخن گفت:

«چون قاعده مروت خراب شد، بنیان فتوت ساقط گشت»<sup>(۶۶)</sup> و باید دانست که گام

اول در فتوت پای بر خود نهادن است.

از دیگر آفات فتوت، تذیر و اسرافست که ضد قناعت می‌باشد. اسراف‌کاران و تذیرکنندگان از مقام فتوت دور می‌افتند.

إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ<sup>(۶۷)</sup>

و از جمله آفات جوانمردی مفاخرت و مباهاتی است که به دعوی نزدیک باشد. در حدیث است که: كُلُّ مُدَّعٍ كَذَّابٌ<sup>(۶۸)</sup>

و به قول سعدی:

چون خود را زنیکان شمردی بدی

نمی‌گنجد اندر خدایی خودی

اگر مردی، از مردی خود مگوی

نه هر شهسواری به در برد گوی  
پیاز آمد آن بی‌هنر جمله پوست  
که پنداشت چون پسته مغزی در اوست<sup>(۶۹)</sup>

### باب دهم در فرق میان فتی و مفتی و مدعی

«فتی، جوانمرد است و جوانمرد شخصی بود در فضایل خلقی کامل و از دنیا با و رذایل نفسانی مجتنب»<sup>(۷۰)</sup>

«مفتی، طالب فتوت باشد و در تحصیل آن سعی و خصال آن را مراعی در طریق فضایل پویان و مقاصد شریف را جویان، غایات آنرا مشتاق و نگران در مضایق آن بتکلف گذران»<sup>(۷۱)</sup>

«مدعی، شخصی بود خود را به زئی جوانمردان بیاراسته و به حلیت فیتان، متحلی گشته، نه سیرت ایشان گرفته و نه در طریق ایشان قدمی رفته، گاه اموال بسیار بذل کند نه از روی سخاوت و گاه مرتکب اخطار و احوال شود، نه از سر شجاعت بل جهت تقدم بر اخوان...»

در آشکارا بر خلاف نهن رود و ظاهرش منافی باطن بود، احوالش در جُبْن و تَهَوُّر مختلف و عاداتش میان بخل و اسراف متردد.<sup>(۷۲)</sup>

خاتمه کتاب شریف «تحفة الاخوان فی خصائص الفیتان»، با سه فصل سرانجام می‌یابد. در فصل اول طریق کسب فتوت و راه یافتن به جرگه جوانمردان نشان داده می‌شود.

### در طریق کسب فتوت

هر کس در دل آرزوی پیوستن به سلک جوانمردان را داشته باشد، راه رسیدن به ایشان را می‌یابد. آرزوی نیکخواهی و جوانمردی برخاسته از فطرت پاک و بی‌آلایش جوینده راه است.

«... هر کرا خاطر فتوت بر دل گذر یابد و داعیه سلوک این طریقت از باطن منبعث گردد، بشارت باد به سلامت فطرت و صلاحیت ولایت، چه، صحت و قوت ارادت غایت استعداد و قابلیت باشد.» خواجه عارفان،



شیخ عبدا... انصاری می‌گوید: «اگر نخواستی داد، ندادی خواست»

چه صدق طلب، امارت وجدان است که گفته‌اند: «الْمُطَلَّبُ وَالْوَجْدَانُ تُؤَامَانُ»<sup>(۷۳)</sup>

یعنی: خواستن توانستن است. خصائص اصحاب فتوت و سیر و طریق ایشان، فصل دوم از خاتمه کتاب، تاکید بر ویژگیهای پیروان راه جوانمردی است. در اینجا باز هم بر «وفا» و «صدق عهد» انگشت نهاده شده است. «أشرف خصایص انسان وفاست و صدق عهد و وعد»<sup>(۷۴)</sup> در قرآن کریم از نشانه‌های مؤمنان به صدق و وفای ایشان، اشاره شده است:

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ<sup>(۷۵)</sup> ...

در مورد اسماعیل (ع) نیز خداوند می‌فرماید:

إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ<sup>(۷۶)</sup>

رازدانی و رازداری و کتمان سر نیز از ویژگیهای جوانمردان و گروندگان به آیین ایزدی است. و در این راه از جانبازی هم ابایی ندارند.

«از خصائص ایشان» مبالغت در حفظ اسرار و کتم آن از اغیار تا اگر یکی را به شمشیر تهدید کنند یا به آتش تعذیب نمایند، جز کتمان از او نیابند»<sup>(۷۷)</sup> چنین است که رادمردان سر می‌دهند ولی سر نمی‌دهند. مقتدای فتیان و مولای جوانمردان علی (ع) فرموده است:

صُدُورُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ.

سینه آزادگان، گورستان رازهاست.

شاعری عرب در باب رازدانی آزاد

جوانمردان خوش سروده است که:

لِكُلِّ أَمْرٍ شَغْبٌ مِنَ الْقَلْبِ فَارِعٌ

و مَوْضِعٌ نَجْوَى لِأَيَّامِ إِطْلَاعِهَا

در دل هر کس جایگاهی است که گنجینه

کاروانسرائی است که خلق خدا مهمانان آن و جوانمردان مهد نداران آنند.

حکایت همچنان باقی

- ۱- قابوسنامه، چار، لیوی، ص ۱۳۹ به بعد بخش ۳ظ
- ۲- خانقاه.
- ۳- رجوع کنید به «هنگ معین» - جلد پنجم - صفحه ۱۰۸.
- ۴- تفحات الانس ص ۴۲۸.
- ۵- وفات: ۶۹۹ هجری قمری.
- ۶- وفات: رمضان ۷۱۶ هجری قمری.
- ۷- ۶۳۲ - ۵۲۹ - ق.
- ۸- به نقل از: مع، دکتر محمد، «فرهنگ معین»، جلد پنجم، ص ۸۳۲ - ۸۳.
- ۹- ص ۲۳۳ - تفة الاخوان
- ۱۰- منبع پیشین، ص ۲۲۴
- ۱۱- منبع پیشین.
- ۱۲- منبع پیشین.
- ۱۳- منبع پیشین ص ۲۲۶.
- ۱۴- منبع پیشین، ص ۲۳۰.
- ۱۵- ابن طریقت راه و روش است.
- ۱۶- ابن حقیقت ست.
- ۱۷- تو رفیق من سنی و من رفیق جبرئیل هستم و جبرئیل رفیق خداست.
- ۱۸- تحفة الاخوان، ص ۳۲-۳۳
- ۱۹- برانگیخته نام تا اخلاق نیکو را به کمال برسانم.
- ۲۰- سوره قلم، به ۴.
- ۲۱- تحفة الاخوان و خصائص الفتیان، ص ۲۳۲.
- ۲۲- منبع پیشین ص ۲۳۲.
- ۲۳- همانجا.
- ۲۴- سوره جمع - آیه ۱.
- ۲۵- مولانا، «ثنوی معنوی، دفتر یکم، بیت‌های ۳۴۹۲-۳۴۹۳.
- ۲۶- جمع داعیه انگیزه.
- ۲۷- تحفة الاخوان فی خصائص الفتیان، ص ۲۳۳.
- ۲۸- منبع پیشین

رازهاست و دیگران را بدان راهی نیست. ویژگی دیگر «تکرم» می‌باشد که ملاعبدالرزاق بارزینی تمام آنرا در قالب واژه‌ها به تعریف درآورده است:

«بزرگی نمودن از دنیا و خسایس و رعایت حرمت و حشمت به احتراز از مواقع تهمت و بشهمت... جهت صیانت عرض و آب روی»<sup>(۷۸)</sup>

یعنی جوانمرد بایستی کردارش چنان باشد که با شأن وی برابری کند، از موضع تهمت بپرهیزد و رفتار نیکش جلوه‌گری نماید. دیگر از خصوصیت‌های، فتیان «سعه صدر» ایشان است.

رفتار جوانمرد در همه حال با تعادل همراه است، تند و نرمخویی را به موقع ظاهر می‌سازد و در سینه گشاده در برابر دیگران دارد. این خصوصیت او را شایسته راهبری دیگران می‌سازد که گفته‌اند: آلَةُ الرَّيَاسَةِ سِعَةُ الصَّدْرِ. ابزار ریاست سعه صدر است.<sup>(۷۹)</sup>

این ویژگی جوانمرد در برخورد او با دشمنان و دوستان جلوه می‌کند: «عزت و غلظت است با دشمنان و بدنفسان و متهمان و رفق و مدارا با دوستان و مسکینان و فرودستان» و اگر بر دشمنان نیز ببخشاید نیک‌تر است. به قول خواجه شیراز، اینان آسایش دوگیتی را به دست آورده‌اند: آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا<sup>(۸۰)</sup>

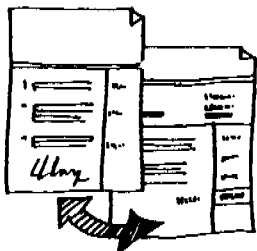
فصل سوم خاتمه کتاب و بخش پایانی آن در بزرگداشت خدمت و ضیافت است. جوانمردان دست و سینه‌ای باز سفره‌ای گشاده دارند و خدمت به خلق را کسرشان خود نمی‌دانند.

«از لوازم فتوت، ملازمت خدمت و مواظبت بر سنت ضیافت است.» که دنیا به مانند

ترتیب کار هم از این قرار است که هر هفته دفترچه یا نشریه‌ای درباره موضوعی که باید مورد بحث قرار گیرد تهیه و برای گروه مطالعاتی فرستاده می‌شود. سپس در رادیو درباره آن بحث می‌شود بدون اینکه اظهار نظر صریحی بعمل آید، زیرا منظور ارائه طریق نیست بلکه روشن ساختن موضوع است. بدین طریق اعضای گروه‌های مزبور که به رادیو گوش داده‌اند همان مباحثات را در انجمن دنبال می‌کنند سپس نظریات و راه‌حلهائی را که به نظرشان می‌رسد می‌نویسند و به رادیو می‌دهند تا در برنامه بعدی رادیو مورد تفسیر و تشریح قرار گیرد.

همانطور که ملاحظه می‌شود به این طریق اشخاص غیر عضو هم که به موضوعات تعاونی علاقمند هستند مستقیماً می‌توانند از این روش تعلیماتی که خاص اعضا است بهره‌گیرند. این رویه در بعضی روشهای آموزشی جهت تربیت مدیران و مجریان شرکتهای تعاونی که در آینده بیان خواهد شد نیز به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

بقیه از صفحه ۳۲



۷- در هنگام دریافت صورتحساب نهایی آنرا با صورتحسابه تحویل مقایسه کنید.

- قیمت‌ها را کنترل کنید.
- کیفیت و مقادیر را کنترل کنید.
- تخفیف‌ها را کنترل کنید.
- موارد اضافی را کنترل کنید!

نهایتاً، بخاطر داشته باشید که همیشه مواد اولیه جدید، قطعات و ابزارهای جدیدی وارد بازار می‌شوند، سعی کنید از این نظر خود را با مواد و اقلام جدید هماهنگ سازید.

بین‌المللی تعاون (آی.سی.ای) در سال ۱۸۹۵ می‌باشد. سال ۱۹۹۴، یادآور یکصد و پنجاهمین سال جنبش پیشگامان راچدیل بود. اولین «خانه تعاون» یا اولین فروشگاه کوچک پیشگامان این جنبش در تادلین واقع در راچدیل که اکنون بصورت موزه درآمده است، محل بازدید انبوه مردم از اقصی نقاط دنیا همچون میانمار، کنیا یا ژاپن می‌باشد تا در آنجا «ریشه‌های» تعاونی کنونی را بیابند.

در سال ۱۸۴۴ بذره‌های بسیار کوچک تعاونی در راچدیل کاشته شدند، سپس به دست تندباد حوادث افتادند و از آن زمان تاکنون در غوغای جنگهای جهانی و انقلابات و تحولات سیاسی اجتماعی به بقای خود ادامه داده‌اند و امروزه در بیشتر کشورها آن جوانه‌ها به بار نشسته‌اند. تعاونی دست‌آوردی قابل تأمل است و خواه در اسلو، سیرالئون، سوئیس، سریلانکا یا هر جای دیگر باشد، ارزش تعمق و تفکر را دارد.

ایان ویلیامسن، مدیر سرویس خبری اتحادیه تعاون انگلیس

- \* 1- Roch 'ali Equitalle Pianeers Society
- 2- Mary Treacy
- 3- Sumkist
- 4- Land O'lakes
- 5- Nationwide lmsurance
- 6- Welch
- 7- Ocean Sqray
- 8- Germany's DG Bank
- 9- Holland's Ralolank
- 10- Mondragon

بقیه از صفحه ۵۵

خلاصه‌ای از صورت جلسه و موضوعات مورد بحث را برای رادیو و مطبوعات ارسال دارند. ممکن است تهیه خلاصه مزبور به آموزگار دبستان محل واگذار شود.

در ایالت کبک دست به تجربه جالبی زده‌اند، به این معنی که در ایجاد مباحثات از فرستنده رادیوئی خاصی کمک می‌گیرند.

- ۲۹- منبع پیشین، ص ۲۳۴.
- ۳۰- منبع پیشین، ص ۲۳۴.
- ۳۱- همانجا، ص ۳۵-۲۳۴.
- ۳۲- تحفة الاخوان، ص ۲۳۷.
- ۳۳- مشبهات: امبال، آرزوها.
- ۳۴- تحفة الاخوان، ص ۲۳۷.
- ۳۵- همانجا ص ۲۳۷.
- ۳۶- همانجا ص ۲۳۸.
- ۳۷- همانجا ص ۲۳۸.
- ۳۸- همانجا
- ۳۹- همانجا ص ۲۴۰. حدیثی است از رسول اکرم (ص).
- ۴۰- همانجا. ۴۳ و ۴۲: همانجا ص ۴۴-۲۰.
- ۴۱- همانجا.
- ۴۴- آیه ۸ سوره حشر.
- ۴۵- آیه ۸ سوره دهر.
- ۴۶- تحفة الاخوان ص ۲۴۴.
- ۴۷- همانجا.
- ۴۸- همانجا ص ۲۴۹.
- ۴۹- همانجا.
- ۵۰- آیه ۸۲ سوره انعام.
- ۵۱- تحفة الاخوان، ص ۲۵۲.
- ۵۲- آیه ۶ سوره فصلت
- ۵۳- دروغ و افترا و سخن چینی و غیبت. کلام بی‌فایده
- ۵۴- تحفة الاخوان، ص ۲۵۱
- ۵۵- تحفة الاخوان ص ۲۵۱-۶-۲۵۴
- ۵۶- تحفة الاخوان، ص ۲۵۴.
- ۵۷- همانجا ص ۲۵۵.
- ۵۸- همانجا ص ۲۵۵
- ۵۹- سنایی، حدیقه الحقیقه، چاپ مدرسه رضوی، ص ۴۸۸-۱۵.
- ۶۰- تحفة الاخوان، ص ۲۶۲. ۷۰- هم‌جا ص ۲۶۹.
- ۶۱- آیه ۳۷ سوره النجم. ۷۱- هم‌جا.
- ۶۲- تحفة الاخوان ص ۲۶۴. ۷۲- هم‌جا، ص ۲۷۳.
- ۶۳- تحفة الاخوان، ص ۲۶۵. ۷۳- هم‌جا، ص ۲۷۳.
- ۶۴- تحفة الاخوان، ص ۲۶۶. ۷۴- هم‌جا، ص ۲۷۵.
- ۶۵- همانجا. ۷۵- سوره احزاب، آیه ۲۳.
- ۶۶- همانجا، ص ۲۶۷. ۷۶- سوره مریم، آیه ۱۹.
- ۶۷- تحفة الاخوان، ص ۲۷۵. ۷۷- تحفة الاخوان، ص ۲۷۵.
- ۶۸- تحفة الاخوان، ص ۲۷۶. ۷۸- تحفة الاخوان، ص ۲۷۶.
- ۶۹- سعیدی، بوستان. ۷۹- مندرج به حضرت علی (ع)
- ۸۰- دیوان حافظ، به تصحیح دکتر غنی. علامه قزوینی، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۷۱، چاپ دوازدهم غزل پنجم.